

Social Conformity in the Conduct of the Infallible Imams

✉ **Malihah Sheikhezadeh Bafqi**  / Level 4 Student at Seminary School (Hawza) of Qur'anic Sciences, Hazrat Zahra Higher Education Institute, Meybod shikhizade59@gmail.com
Mohammad Ali Mohiti Ardakan / Associate Professor at the Department of Philosophy, the Imam Khomeini Institute for Education and Research mohiti@iki.ac.ir
Received: 2024/12/10 - **Accepted:** 2025/02/04

Abstract

Different behaviors of human beings reflect their diverse attitudes. Typically, individuals with similar attitudes form groups. However, through careful analysis, it is revealed that some members within a group hold different views. They refrain from expressing different attitudes and gradually adopt an attitude that is consistent with the members. This phenomenon, which is called conformity, can carry positive or negative value. Beneficial conformity yields individual or social advantages, while conforming to false thoughts of a group inflicts irreparable harm both individually and socially. Using descriptive-analytical method, this research examines how the Infallible Imams (PBUT) confronted this social phenomenon. The research results show that the Infallible Imams' methods varied based on conformity's intra-personal or environmental factors. The method of "attitude change" in the cognitive, emotional, behavioral dimensions for internal factors and the method of "situational assessment and barrier removal" for external factors have been considered to be the most important methods.

Keywords: Infallible Imams (PBUT), social conformity, methodology, confrontation, social psychology.

نوع مقاله: ترویجی

هم‌نوایی اجتماعی در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام

shikhizade59@gmail.com

mohiti@iki.ac.ir

کلمه کلیدی: ملایحه شیخی‌زاده بافقی  / طلبة سطح چهار علوم و معارف قرآنی مؤسسه آموزش عالی حضرت زهرا علیها‌السلام میبدمحمدعلی محیطی اردکان / دانشیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۶

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰

چکیده

رفتارهای گوناگون انسان‌ها بیانگر نگرش‌های متفاوت آنهاست. به‌طور معمول افراد با نگرش‌ها و رفتارهای یکسان در گروه‌ها، جمع می‌آیند، اما با مطالعه دقیق‌تر مشخص می‌شود برخی افراد داخل در گروه، طرز فکر متفاوتی با اعضای گروه دارند، ولی با حضور در گروه، از ابراز نگرش‌های متفاوت خودداری کرده و به تدریج، نگرشی متناسب با اعضا اتخاذ می‌کنند. این واقعیت، که هم‌نوایی نامیده می‌شود، می‌تواند ارزش‌گیری مثبت یا منفی داشته باشد. هم‌نوایی مطلوب و دارای ارزش‌گیری مثبت، منافع فردی و اجتماعی فراوانی دارد و در مقابل، هم‌رنگی با افکار باطل گروه، آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای فرد و جامعه خواهد داشت. پژوهش پیش‌رو، با روش توصیفی - تحلیلی روش مواجهه ائمه اطهار علیهم‌السلام با این پدیده اجتماعی را بررسی می‌کند. نتایج حاکی از آن است که شیوه‌های مواجهه ائمه علیهم‌السلام با توجه به عوامل درون فردی یا محیطی هم‌نوایی، متفاوت است؛ شیوه «تغییر نگرش» در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری در قلمرو عوامل درونی، و شیوه «موقعیت‌سنجی و رفع موانع» در قلمرو عوامل بیرونی مهم‌ترین شیوه‌ها رصد شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: ائمه اطهار علیهم‌السلام، هم‌نوایی اجتماعی، روش‌شناسی، مواجهه، روان‌شناسی اجتماعی.

مقدمه

کرده، آسیب‌های وقوع آنها برای اعضای جامعه را یادآور شده، و راهکارهای شکل‌گیری هم‌نوایی مطلوب را نشان داده‌اند. البته میرعرب (۱۳۹۹) در مقاله «تأثیر روابط خویشاوندی در هم‌نوایی اجتماعی محبت‌بنیان از منظر قرآن»، به اثبات درستی نظریه «نیاز جامعه به تقویت روابط خویشاوندی برای هم‌نوایی مطلوب» نیز پرداخته است. پژوهش پیش‌رو سعی دارد شیوه‌های مواجهه ائمه اطهار (ع) با این پدیده را بررسی کند. از این‌رو هم به لحاظ گستره و قلمرو، هم به لحاظ ساختار و محتوا اثری نو به حساب می‌آید. به‌منظور حل مسئله، ابتدا انواع هم‌نوایی و عوامل مؤثر بر آن را توضیح داده، سپس، شیوه‌های مواجهه ائمه (ع) با این پدیده را شرح می‌دهیم.

۱. مفهوم هم‌نوایی

واژه هم‌نوا در لغت به معنای هم‌آواز و هم‌صدا است (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۲، ص ۳۱۸۱). هم‌نوایی در اصطلاح روان‌شناسی اجتماعی به معنای، پیروی از ارزش‌ها، شیوه‌ها، رفتارها و عمل یک گروه، قوم یا جامعه است، به گونه‌ای که آثار و پیامدهای آن در حیات اجتماعی فرد و جامعه ظهور و تبلور پیدا کند. به دیگر سخن، هم‌نوایی فرد با گروه عبارت است از اینکه فرد باورها، ارزش‌ها، نمادها و هنجارهای گروه را درونی کرده و در ساخت شخصیت خود یگانگی بخشیده باشد (روشه، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴).

در تبیین ارتباط و نسبت هم‌نوایی با جامعه‌پذیری می‌توان گفت که جامعه‌پذیری نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در خلال آن فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا گرفته، درونی کرده و آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵، ص ۱۴۴). درواقع، جامعه‌پذیری یک نوع هم‌نوایی داوطلبانه و اختیاری است، درحالی‌که هم‌نوایی اجتماعی مصطلح از توافق سطحی و سازگاری ناخواسته تا اطاعت داوطلبانه از هنجارهای اجتماعی را شامل می‌شود (راسخ، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۳۳۲). بنابراین دو ویژگی سطحی بودن و ناخواسته بودن یا ناآگاهی افراد از هم‌نوایی اجتماعی و سازگاری آنها با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی سبب شده تا تحقیقات زیادی در زمینه مطالعه و بررسی این پدیده روان‌شناختی در روان‌شناسی اجتماعی صورت بگیرد.

هم‌نوایی از انواع نفوذ اجتماعی است که بر اساس آن، یک فرد یا گروه اندیشه و پس از آن، رفتار دیگران را با بهره‌گیری از امکاناتی مانند پاداش‌ها، اطلاعات، جایگاه اجتماعی فرد در جامعه یا علاقه و تحسین دیگران تغییر می‌دهد (فرانزوی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۸-۱۷۹؛ Alkcock & others, 2000, p. 154) این پدیده، فرایندی آگاهانه و یا حتی ناآگاهانه است که طی آن، شخص احساس فشار خیالی یا واقعی از سوی گروه نسبت به خودش دارد و در نتیجه، تلاش می‌کند با توافق درونی با دیگران، رفتار خویش را هم تغییر دهد (ر.ک. فرگاس، ۱۳۷۳، ص ۳۱۹؛ بیرو، ۱۳۸۰، ص ۶۲).

قدرت هم‌نوایی با آزمایش‌های روان‌شناسانه گوناگون به اثبات رسیده است (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۳۶۷). درحالی‌که هم‌نوایی افراد با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه باعث استحکام روابط اجتماعی و رشد اجتماعی افراد است، ولی هم‌نوایی با ضد ارزش‌ها، نگرش‌های نادرست و تمایلات رفتاری ناهنجار از معضلات اجتماعی به حساب می‌آید. با گسترش وسایل ارتباط جمعی و حضور افراد در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی جدید، تأثیرپذیری از این گروه‌ها به وضوح افزایش یافته است. برای حفظ افراد و جامعه از تأثیرات هم‌نوایی نامطلوب ضرورت دارد تا پژوهش در این موضوع روان‌شناختی اجتماعی گسترش یابد. آموزه‌های اسلام و به‌صورت خاص شیوه‌های تعامل ائمه اطهار (ع) با مردم گستره جدیدی از نحوه مواجهه با این پدیده را در اختیار روان‌شناسان اجتماعی قرار خواهد داد. از این‌رو پژوهش حاضر می‌تواند نو و تأثیرگذار به حساب آید.

سؤال اصلی این است که شیوه‌های مواجهه ائمه اطهار (ع) با پدیده هم‌نوایی اجتماعی چگونه است؟ پاسخ به این پرسش را با دنبال کردن پاسخ سؤال‌های فرعی زیر تبیین خواهیم کرد:

۱. هم‌نوایی به چه معناست و چه اقسامی دارد؟
۲. ابعاد هم‌نوایی چیست و چه عواملی در هم‌نوایی اجتماعی مؤثر است؟
۳. ائمه (ع) در مواجهه با هر کدام از این عوامل چه شیوه‌ای اتخاذ می‌کردند؟ تا آنجا که به موضوع ارتباط هم‌نوایی اجتماعی با آموزه‌های دینی مربوط می‌شود، مقاله «درآمدی بر هم‌نوایی اجتماعی از منظر قرآن کریم» (میرعرب و کریمی، ۱۳۹۴)، با مراجعه به آیات الهی، هم‌نوایی‌های قابل تحقق بین اعضای جامعه را شامل دو نوع مطلوب و نامطلوب دانسته‌اند و با تأکید بر اهمیت هم‌نوایی‌های مطلوب، عوامل و پیامدهای شکل‌گیری هم‌نوایی‌های نامطلوب را ترسیم

۲. انواع هم‌نواپی

يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ « (انعام: ۱۱۶)؛ اگر از بیشتر مردم روی زمین پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می‌کند؛ آنان فقط از گمان و پندار (که پایه علمی و منطقی ندارد) پیروی می‌کنند، و تنها به حدس و تخمین تکیه می‌زنند. حتی در آیه‌ای دیگر هم‌نواپی بین افراد را به علت عدم تعقل، ظاهری و سطحی می‌داند: «تَخَسَّبُهُمْ جَمِيعًا وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (حشر: ۱۴)؛ به ظاهر آنها که می‌نگری آنها را متحد می‌پنداری، درحالی‌که دل‌هایشان پراکنده است، این به خاطر آن است که آنها قومی‌اند که تعقل نمی‌کنند.

ب. هدایت الهی

قرآن کریم هدایت الهی را معیار دیگری برای هم‌نواپی مطلوب بیان می‌کند. از این‌رو هم‌نواپی افراد با قوم خود را که از هدایت الهی برخوردار نیستند نامطلوب می‌داند. خداوند می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلُوا كَانُوا آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (مائده: ۱۰۴)؛ و هنگامی که به آنان گویند: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر آید، گویند: روش و آیینی که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، ما را بس است. آیا هرچند پدرانمان چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته باشند.

قرآن ملاک مطلوبیت و عدم مطلوبیت ناهم‌نواپی را نیز بهره‌مندی از هدایت الهی می‌داند. برای نمونه در داستان اصحاب کهف این‌گونه ناهم‌نواپی تعدادی اندک از جوانان با جامعه زمان خود را به صورت مطلوب توصیف می‌کند: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرِذْنَاهُمْ هُدًى» (کهف: ۱۳)؛ جوان‌مردانی که به خداوند ایمان آوردند و خداوند نیز بر هدایتشان افزود. به عبارتی ملاک مطلوبیت ناهم‌نواپی در آنها را بهره‌مندی از هدایت الهی می‌داند.

۵. شیوه‌های مواجهه ائمه اطهار با پدیده هم‌نواپی

ائمه اطهار در دوران امامت خود با جمعیت گسترده‌ای روبه‌رو بودند که عقاید، تمایلات رفتاری و ارزش‌های گوناگونی داشتند. عضویت و تعلق خاطر افراد به گروه‌های مختلف فکری، ناخودآگاه تأثیرات بسیاری در نگرش و تمایلات افراد ایجاد می‌کرد. به‌طورقطع ائمه به‌عنوان مصلحان بزرگ اجتماعی به این واقعیت اجتماعی توجه داشتند و تدابیر سنجیده و مؤثری در مواجهه با این پدیده اتخاذ می‌کردند. با بررسی

هم‌نواپی با توجه به دلایل وقوع آن به دو نوع هم‌نواپی اطلاعاتی و هم‌نواپی هنجاری قابل تقسیم است (Sears and others, 1985, p. 358). هنگامی که یک فرد احساس می‌کند فکر گروهی خاص درست است تلاش می‌کند افکار خود را با آن‌ها هماهنگ کند. در نتیجه رفتارهای ظاهری‌اش نیز بسته به نوع تغییر عقیده‌اش تغییر می‌کند. این نوع هم‌نواپی، هم‌نواپی اطلاعاتی (Informative Conformity) نام دارد. گاه نیز ممکن است همراهی با یک جمع به این دلیل باشد که دیگران او را تنبیه نکنند و یا پاداشی را از او دریغ نکنند. این نوع هم‌نواپی، هم‌نواپی هنجاری (Normative Conformity) نامیده می‌شود (فرانزوی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴). علت این نام‌گذاری آن است که درواقع، فرد با هنجارهای گروه موردنظر همراهی می‌کند، وگرنه باید گرفتار پیامدهای ناخوشایند ناهم‌نواپی شود.

۳. عوامل مؤثر بر هم‌نواپی

اتفاق نظر یا عدم اتفاق نظر اکثریت افراد گروه بر روی یک موضوع، ویژگی افرادی که گروه مورد هم‌نواپی را تشکیل می‌دهند، نوع شخصیت فرد، میزان احساس و امنیت فرد ذکر شده از جمله عوامل مؤثر بر هم‌نواپی فرد با گروه است (کریمی، ۱۳۸۱، ص ۹۳ و ۶۴).

۴. ابعاد هم‌نواپی

هم‌نواپی مطلوب و هم‌نواپی نامطلوب دو بعد متفاوت از هم‌نواپی اجتماعی به حساب می‌آیند که با ملاک‌ها و معیارهایی می‌توان آن دو را از یکدیگر بازشناخت.

۴-۱. ملاک مطلوبیت هم‌نواپی

ملاک مطلوب بودن یا نامطلوب بودن هم‌نواپی را می‌توان با بررسی و مطالعه آیات قرآن به دست آورد. مطابقت هم‌نواپی با حجت درونی یا قدرت تعقل و حجت بیرونی یا هدایت‌های الهی ملاک مطلوبیت یا عدم مطلوبیت هم‌نواپی است:

الف. تعقل

قرآن کریم هم‌نواپی با اهل ظن و گمان را مورد نکوهش قرار داده و از آن نهی می‌کند. خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ تَطَعُوا أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ

یکی از شیوه‌های مواجهه ائمه اطهار (ع) با هم‌نوایی نامطلوب، تغییر نگرش است که با اقتناع صورت می‌پذیرد. درواقع، اقتناع، «استفاده از پیام در جهت تغییر نگرش مخاطبان است» (فرانزوی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۰).

روان‌شناسان اجتماعی اقتناع را در قالب دو رویکرد سستی و شناختی بررسی می‌کنند. رویکرد سستی در پی شناسایی ویژگی‌های منبع پیام، خود پیام و مخاطبان پیام است و مجموعه این ویژگی‌ها را عامل متقاعدسازی می‌داند (هاولند و دیگران، ۱۹۴۰، ص ۳۰۱-۳۱۰). این رویکرد بر اساس الگوی یادگیری شکل گرفته و رفتاری‌نگرها بیشترین طرفداران آن را تشکیل می‌دهند به اعتقاد آنها تقویت پاسخ، احتمال وقوع آن را افزایش می‌دهد. بر این اساس، برای تغییر نگرش باید به پیام جدید توجه کرد، آن را ادراک نمود و سپس آن را پذیرفت. در عبور پیام از سه مرحله توجه، ادراک و پذیرش، لازم است به ویژگی‌های پیام، منبع پیام و گیرنده توجه کرد. آنها محتوای پیام، سازمان‌دهی پیام، منبع ارسال، استدلالی یا احساسی بودن پیام، اثر تقدم یا اثر تأخر، کتبی، تصویری یا رودررو بودن پیام، محیط طبیعی یا محیط مصنوعی تبادل پیام، همراهی با تداخل محرک‌ها و حواس‌پرتی یا امکان آرامش و تمرکز کامل، شخصیت گیرنده و همچنین سن و تحصیلات او تمام این عوامل را در متقاعدسازی دیگران مؤثر می‌دانند (ر.ک. سالاری‌فر و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱۳۳).

روی آوردن شناختی از الگوی رایانه‌ای مغز استفاده می‌کند. ازجمله الگوهای موجود در این رویکرد، الگوی قطعی احتمالی و الگوی نظام‌دار و اکتشافی است. در الگوی قطعی احتمالی وقتی فرد پیام اقتناعی را می‌شنود در مورد پیام و استدلال آن فکر می‌کند. درواقع افکار باعث تغییر یا عدم تغییر نگرش می‌شوند نه پیام‌ها (پتی و دیگران، ۱۹۹۵، ص ۹۳-۱۳۰). بر اساس الگوی قطعی احتمالی امکان وقوع دو فرایند مختلف شناختی وجود دارد. این دو فرایند شناختی مسیر مرکزی و مسیر پیرامونی نام دارند. متقاعدسازی از طریق مسیر مرکزی زمانی اتفاق می‌افتد که گیرنده، پیام را مهم و جالب بداند و با تحلیل آن پیام و سنجیدن نقاط قوت و ضعف آن، نگرش و دیگر ساختارهای شناختی فرد تغییر کند، ولی اگر گیرنده، پیام را جالب نداند و به آن توجه نکند متقاعدسازی از مسیر پیرامونی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، گیرنده پیام از طریق امور جانبی پیام مانند زیبایی، موقعیت برتر و شأن و منزلت پیام‌دهنده تأثیر می‌گیرد. تغییر نگرشی که از طریق مسیر مرکزی حاصل شده از لحاظ زمانی

نحوه عملکرد ائمه اطهار (ع) با طیف‌های وسیع و متنوع اجتماعی می‌توان به نکات مشترکی در نحوه مواجهه ایشان با پدیده هم‌نوایی اجتماعی دست یافت. بنا بر یافته‌های روان‌شناسی اجتماعی، افراد به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. افراد خودراهبر و دگرراهبر؛ افراد خودراهبر افرادی هستند که خودشان ارزش‌ها و هنجارهایشان را تعیین می‌کنند و افراد دگرراهبر چشم به هدایت دیگران دارند. افراد دگرراهبر، مصداق افراد هم‌نوایند که در جامعه کنونی رو به افزایش‌اند (اسالیوان و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۹۶). همچنین برخی افراد در تصمیم‌گیری‌های عملی بیشتر تحت تأثیر نگرش هستند، ولی بعضی دیگر به انتظارات و گفته‌های دیگران توجه دارند و رفتاری را برمی‌گزینند که مورد تمایل و پسند دیگران باشد. این ویژگی همان خودنظارتی است (آجرن و دیگران، ۱۹۸۲، ص ۴۲۶-۴۳۵). ائمه اطهار (ع) به عنوان افرادی خودراهبر و دارای استقلال رأی بالا، نمونه‌ای شایسته در مدیریت مسائل و بحران‌های اجتماعی هستند.

رفتار افراد تحت تأثیر دو عامل درونی و بیرونی صورت می‌گیرد. عامل درونی مؤثر بر رفتار همان نگرش افراد است، و منظور از عامل بیرونی، ویژگی‌های موقعیتی است که باعث می‌شود افراد در بعضی شرایط زمانی و مکانی از ابراز نگرش خود و عمل بر طبق آن خودداری کنند (سالاری‌فر و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱۲۸). بنابراین در پدیده هم‌نوایی نیز باید به دو عامل درونی و بیرونی رفتار توجه کرد. با سیری در شیوه تعامل ائمه (ع) با افراد، نحوه مواجهه ایشان با عامل درونی در افراد را با عنوان «تغییر نگرش» و نحوه مواجهه با عامل بیرونی را تحت عنوان «موقعیت‌سنجی و حل موانع» می‌توان دسته‌بندی و بررسی کرد:

۵.۱. تغییر نگرش

برخی اندیشمندان، روان‌شناسی اجتماعی را مطالعه علمی نگرش‌ها می‌دانند (آلپورت و جونز، ۱۳۷۱، ص ۱۱۷). بیشتر روان‌شناسان اجتماعی، نگرش را نظامی بادوام می‌دانند که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک عنصر رفتاری است. عنصر شناختی، شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره یک اندیشه یا شیء است. عنصر احساسی یا عاطفی، بیانگر آن است که معمولاً نوع احساس عاطفی با باورهای ما پیوند دارد و عنصر رفتاری، تمایل به عمل به جهت آمادگی برای پاسخ‌گویی به شیوه‌ای خاص اطلاق می‌شود (کریمی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۵).

یا حق و باطل را به صورت درآمیخته پذیرفته‌اند. در این گونه موارد، ائمه علیهم‌السلام افرادی را که درواقع به دنبال کشف حقیقت بودند با روش‌های متفاوت آگاه می‌کردند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ائمه علیهم‌السلام با روش‌های زیر و با هدف تقویت بعد شناختی افراد به اصلاح نگرش در آنها می‌پرداختند تا از ایجاد هم‌نوایی نامطلوب جلوگیری کنند:

الف. تفکر و استدلال

توصیه به تفکر (سبأ: ۴۶؛ انعام: ۵۰؛ نحل: ۴۴) و تعقل (انعام: ۶۵ و ۹۰) در آموزه‌های دینی فراوان دیده می‌شود. بیش از ۲۰ آیه قرآن به تعقل توصیه کرده است (برای نمونه، رک. انفال: ۲۲؛ بقره: ۷۳؛ اعراف: ۱۶۹). اگر قدرت تفکر و تجزیه تحلیل افراد بالا رود به راحتی نظرات دیگران را بدون استدلال و دلیل عقلی نخواهند پذیرفت. افرادی که قدرت تفکر و تعقل ضعیفی دارند در مواجهه با نگرش و اعتقادات جدید دچار نوعی انفعال و سردرگمی خواهند شد. در این گونه مواقع لازم است به تقویت قدرت درک و فهم افراد در تشخیص حقیقت اهتمام ورزید و آنها را در این مسیر راهنمایی کرد.

از نمونه‌های تاریخی که افراد از نظر شناختی به مشکل برخوردند و به عبارتی درگیر فتنه شدند زمان امامت حضرت علی علیه‌السلام و به‌خصوص درگیری ایشان در جنگ‌های سه‌گانه نهروان، جمل و صفین بود. سران هر سه گروه افرادی به‌ظاهر مسلمان، با اعتقادات الهی و با سابقه‌ای از ایثار و مجاهدت بودند، ولی هر گروه بنا بر مبنای اعتقادی خود در مقابل امام زمان خود که با اصرار و پافشاری نصب کرده بودند ایستادند. امام علیه‌السلام با استدلال و بیان مبانی متقن عقلی و نقلی، نادرستی مبانی اعتقادی هر کدام از گروه‌ها را بیان می‌کردند و با این روش سعی در تقویت قوه شناخت و فهم مردم داشتند. تعداد زیادی از افراد که تحت تأثیر گروه و بدون شناخت کافی، با عقاید نادرست این گروه‌ها هم‌نوایی می‌کردند با درک حقیقت از ادامه همراهی با نگرش باطل گروه‌های منحرف خودداری کردند. حضرت با شیوه‌های زیر سعی کردند به افراد کمک کنند تا وجه عقلانی و شناختی پیام امام را درک کنند:

-ارسال پیام

در جنگ جمل، حضرت پیام‌های متعددی به عایشه، طلحه و زبیر فرستادند تا آنان را از جنگ منصرف سازد (ابن‌قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱،

پایدارتر از تغییری است که از طریق مسیر پیرامونی حاصل شده است و همچنین این تغییر به عمل نزدیک‌تر است. در مجموع تغییر نگرش از مسیر مرکزی، یک تغییر واقعی در شیوه فکر کردن در مورد یک موضوع است و در سازمان‌دهی شناختی استفاده خواهد شد (سالاری‌فر و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱۳۶).

خداوند شیوه دعوت و مواجهه با مردم را این‌گونه به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی می‌کند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵). این آیه دعوت به راه خدا و به عبارتی دیگر، ایجاد نگرش الهی چند روش را معرفی می‌کند. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «حکمت» به معنای رسیدن به حق به وسیله علم و عقل است. «موعظه» یادآوری کارهای نیک به صورتی است که قلب شنونده از شنیدن آن بیان، رقت پیدا کند و در نتیجه تسلیم شود. سپس می‌فرماید منظور از حکمت، حجتی است که حقیقت را ثابت کند، به گونه‌ای که هیچ شک و وهن و ابهامی در آن باقی نماند، و موعظه بیانی است که نفس شنونده را نرم، و قلبش را به رقت درآورد و باعث صلاح حال شنونده شود. «جدال» دلیلی است که صرفاً برای منصرف نمودن دشمن از مطلب مورد نزاع به کار می‌رود، بدون اینکه خاصیت روشنگری حق را داشته باشد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۱۳۷-۱۷۳). بنابراین به بیان قرآن، حکمت شیوه‌ای برای تقویت شناخت افراد است و موعظه با تأثیر بر قلب به تحریک عواطف می‌پردازد. این دو روش در کنار هم به روشنگری و تغییر نگرش منتهی می‌شود.

ائمه اطهار علیهم‌السلام با توجه به عوامل درونی هم‌نوایی و بر مبنای آموزه‌های قرآن در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری به تغییر نگرش افراد اقدام می‌کردند.

۱-۱-۵. بعد شناختی

نگرش‌های تثبیت‌شده و نگرش‌هایی که ریشه در اعتقادات و ارزش‌های دینی دارد تأثیرات قوی‌تری بر رفتار دارند. همچنین هر اندازه نگرش نیرومندتر باشد تأثیر بیشتری بر رفتار دارد (بارون و بایرن، ۱۹۹۷). بنابراین از شیوه‌های مقابله با هم‌نوایی نامطلوب ایجاد آگاهی و افزایش شناخت مردم است. در هم‌نوایی اطلاعاتی، افراد درواقع از نظر شناختی با مشکل روبه‌رو شده‌اند و دستگاه محاسباتی افراد دچار اختلال شده است. این افراد، یا حق و باطل را نادرست دریافت کرده‌اند

پنج هزار نفر از خوارج جدا شدند و بعضی به طرف امام (ع) گرویدند و برخی نیز به کوفه یا مدائن رفتند (طبری، ۱۹۷۰، ج ۵، ص ۸۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۰۵؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۶۹).

– مطالعه احوال گذشتگان

مطالعه و تفکر در احوال گذشتگان شیوه دیگری برای افزایش شناخت انسان است. برخی آیات قرآن کریم به این شیوه تأسیسی یا اصلاحی اشاره دارند (برای نمونه، ر.ک. اعراف: ۱۷۶؛ یوسف: ۱۱۱؛ روم: ۴۲). امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه، فرزندشان امام حسن (ع) را با توجه و مطالعه در احوال گذشتگان به عمل بر اساس درک و آگاهی و دوری از تردید و شبهه این‌گونه پند می‌دهند: «پسرم من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، ولی به رفتار آنها نگاه کردم و در اخبارشان اندیشیدم... از آن ترسیدم که مبدا رأی و هوایی که مردم را دچار اختلاف کرد، و کار را بر آنان شبهه‌ناک ساخت، به تو نیز هجوم آورد. آگاه شدن و استوار ماندن را ترجیح دادم، تا تسلیم هلاکت‌های اجتماعی نگردی... تلاش کن تا درخواست‌های تو از روی درک و آگاهی باشد، نه آنکه به شبهات روی آوری... از هر کاری که تو را به شک و تردید می‌اندازد، یا تسلیم گمراهی می‌کند پرهیز کن و هنگامی که یقین کردی دلت روشن و فروتن شد و اندیشه‌ات کامل گردید، و اراده‌ات به یک‌چیز متمرکز گشت، آنگاه اندیشه کن در آنچه برای تو تفسیر می‌کنم، اگر در این راه آنچه را دوست می‌داری فراهم نشد و آسودگی فکر و اندیشه نیافتی، آگاه باش راهی را که ایمن نیستی می‌پیمایی و در تاریکی راه می‌روی» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، نامه ۳۱).

در فرازهای فوق، حضرت امیر (ع) به صراحت با عبرت‌گیری از گذشتگان، برای جلوگیری از هلاکت اجتماعی، تمایلات رفتاری مبتنی بر درک و آگاهی و پرهیز از شک و تردید را توصیه می‌کنند.

۲-۱.۵. بعد عاطفی

همان‌گونه که در بیان انواع هم‌نوایی بیان شد نوعی از هم‌نوایی به این دلیل رخ می‌دهد که فرد عقاید یک گروه را صحیح می‌داند و با پذیرش عقاید گروه با آن گروه هم‌نوا می‌شود. شیوه مواجهه با این نوع هم‌نوایی، کمک به فرد برای تشخیص واقعیت یا درک حقیقت است، ولی در نوع دیگر هم‌نوایی، فرد از نظر عاطفی ناخودآگاه، یا خودآگاه

(ص ۹۰). امام این‌گونه ایشان را به تفکر وامی‌دارند و می‌فرمایند: «اگر شما دو نفر از روی میل و انتخاب بیعت کردید تا دیر نشده برگردید و در محضر خدا توبه کنید. و اگر با اکراه بیعت کردید خود دانید؛ زیرا شما بودید که من را در حکومت بر خویش راه دادید، اطاعت از من را ظاهر کردید و نافرمانی را پنهان داشتید. به جانم سوگند شما از سایر مهاجران سزاوارتر به پنهان داشتن عقیده و پنهان کاری نیستید» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، نامه ۵۴؛ خطبه ۳۱؛ مفید، ۱۳۷۴، ص ۳۱۳).

در جنگ نهروان نیز سعی حضرت بر این بود تا افرادی را که تحت تأثیر تجمع و گروه خوارج قرار گرفته بودند به تفکر وادارند و خودشان بدون فشار جو حاکم بر فضای فکری خوارج، فکر کنند. بنابراین پیام‌هایی بسیار از طریق افراد معتبری مانند ابن عباس برای آنان فرستاد. حضرت به ابن عباس می‌فرماید: «با آنها از طریق قرآن مناظره نکن؛ زیرا قرآن بار معناهای گوناگون را تحمل می‌کند، بلکه با آنها با سنت مناظره کن که راه فرار پیدا نکنند» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، نامه ۷۷؛ طبری، ۱۹۷۰، ج ۵، ص ۶۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۹۳). حتی حضرت توصیه می‌کنند بر مبنای سنت با آنها استدلال کن تا به راحتی بتوانی آنها را اقناع کنی.

– گفت‌وگوی چهره به چهره

بعد از ارسال پیام، خود حضرت به مذاکره با طلحه و زبیر پرداخت تا در حد امکان، افراد را از همراهی و هم‌نوایی با گروه منحرف بازدارند. با درایت و استدلال‌های ایشان، زبیر از هم‌نوایی با جمعی که منجر به جنگ جمل شد خودداری کرد (مسعودی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۷۱؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۹۲؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۲).

– سخنرانی

با وجود ارسال پیام‌های متعدد، امام (ع) خودشان دو مرتبه به قرارگاه خوارج رفتند و سخنرانی کردند (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، خطبه ۱۲۱ و ۱۲۷ و ۱۷۷؛ طبری، ۱۹۷۰، ج ۵، ص ۸۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۰۴) و در آخر خطبه تصریح کردند که اگر بتوان یک اصل و خصلتی را پیدا کرد که عامل وحدت کلمه و ترک مخاصمه بین دو گروه گردد، بدان عمل و از جنگ امتناع خواهد کرد. حاصل اقناع و سخنرانی حضرت، تغییر دیدگاه نزدیک به دو هزار نفر بود. حضرت بعد از سخنرانی، به خوارج امان دادند که در پرتو امان علوی، نزدیک به

اخلاق نیک و والای ایشان (قلم: ۶)، دلسوزی، مهربانی و اهتمام شدید حضرت به مردم (توبه: ۱۲۸)، نمودهایی از لزوم ابراز محبت به منظور تأثیرگذاری بر مخاطبان است.

گاهی، افراد به دلیل وابستگی عاطفی و یا تعلق خاطر به گروه، به پذیرش نگرش نادرست گروه تن می‌دهند. در حقیقت حب و بغض، به قوه تشخیص فرصت فعالیت نمی‌دهد. ائمه علیهم‌السلام با آگاهی از ظرافت‌های روان‌شناختی انسان‌ها، از یک‌سو، افراد را از هم‌نشینی و دوستی با افراد منحرف باز می‌دارند و به خطر تأثیر دوستان در انحراف انسان یادآور می‌شوند؛ مانند این روایت که «از مصاحبت با فاسقان دوری کن؛ زیرا بدی به بدی می‌پیوندد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۹۹). از سوی دیگر، همواره با ابراز محبت در تعاملات خود با افراد دایره نفوذ خود بر نگرش، عواطف و رفتار افراد را گسترش می‌دادند. همچنین به ابراز محبت و دوستی با دیگران در روابط اجتماعی تشویق می‌کنند؛ مانند این سخن پیامبر که می‌فرماید: «مؤمن الفت می‌گیرد و با او الفت می‌گیرند و کسی که الفت نگیرد و الفت‌پذیر نباشد از خیر و برکت بی‌بهره است» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۸۵).

-تکریم و احترام

یکی از مبانی انسان‌شناختی در اسلام کرامت نفس انسانی است. خداوند تذکر و راهنمایی‌های خود را همراه با بیان کرامت و برتری روح و جوهره انسانیت یادآور می‌شود (اسراء: ۷۰). ائمه علیهم‌السلام نیز بنای اصلاحات و هدایت خود را بر حفظ شأنیت و کرامت انسانی افراد قرار داده‌اند. از این‌رو در تعاملات و رابطه خود با افراد همواره در تلاش بوده‌اند عزت نفس و حرمت افراد حفظ و تقویت شود. با تکریم افراد و تقویت عزت نفس در آنها، فرد به ارزش ذاتی خود پی می‌برد و جرئت و اعتماد به نفس لازم برای ابراز وجود و ناهم‌نوایی با گروه در او ایجاد می‌شود. همچنین اگر تطمیع و منافع مادی باعث شده تا فرد برای حفظ منافع زودگذر نظرات نادرست گروه را بپذیرد با درک ارزش وجودی خود ارزش منافع گذرای حضور در گروه برای او بی‌ارزش می‌شود و هم‌نوایی نامطلوب فرد با گروه کاهش می‌یابد. امام حسین علیه‌السلام در ماجرای کربلا و بیعت نکردن با یزید، درباره عزت نفس و دوری از ذلت، سخن‌های فراوانی دارند. برای نمونه می‌فرمایند: «موت فی عزة خیر من حیاة فی ذل» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۱۹۲)؛ مرگ با عزت، بهتر از زندگی با ذلت است. ایشان پذیرش عقاید

تحت تأثیر عقاید گروه قرار می‌گیرد، در نتیجه، با گروه همراهی می‌کند. در این نوع هم‌نوایی، دیگر دستگاه شناخت فرد دچار مشکل نشده و ضرورتاً نیازی به تقویت بعد شناختی نیست، بلکه باید با شیوه‌های گوناگون و از بعد عاطفی و انگیزشی، بر نگرش فرد تأثیر گذاشت و با پدیده هم‌نوایی مواجه شد (فرانزوی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴).

نگرش را به دو دسته آشکار و ضمنی می‌توان تقسیم کرد. نگرش‌های آشکار، رفتارهای عمدی، کنترل‌شده و آشکار را پیش‌بینی می‌کنند و نگرش‌های ضمنی، رفتارهایی غیرقابل کنترل، پنهان و ناهشیار را پیش‌بینی می‌کنند. فرایندهای شکل‌گیری نگرش آشکار، مناسب رویکردهای شناختی و باور محور است، ولی فرایندهای شکل‌گیری نگرش ضمنی، ماهیت عاطفی دارند (وارگاس، ۲۰۰۴، ص ۲۷۵-۲۹۰). به بیان دیگر، رفتارهای آشکار و خودآگاه افراد تحت تأثیر شناخت آنهاست، ولی رفتارهای ناخودآگاه آنها متأثر از عواطف و احساسات آنهاست. بنابراین گاهی عوامل عاطفی به صورت ناخودآگاه علت هم‌نوایی افراد می‌شود. با این توضیح، می‌توان گفت ائمه اطهار علیهم‌السلام در مواردی که افراد از قوه شناخت عالی برخوردار نبودند و یا اینکه علل عاطفی و انگیزشی باعث بروز هم‌نوایی بود از بعد عاطفی با این پدیده روبه‌رو می‌شدند. ائمه اطهار علیهم‌السلام با روش‌های زیر با تأثیر بر بعد عاطفی افراد پدیده هم‌نوایی را مدیریت می‌کردند.

-مهربانی و محبت

یکی از شیوه‌های تأثیر و نفوذ در افراد ابراز محبت به آنهاست. زمانی که فرعون طغیان و ادعای الوهیت کرد، خداوند به حضرت موسی و برادرش هارون دستور داد تا با ملایمت و آرامی با فرعون سخن بگویند (طه: ۴۲-۴۴). روشن است که فرعون مدعی الوهیت با داشتن روحیه خشن و تند هرگز دعوت همراه با خشونت را نمی‌پذیرفت و به انکار و تندی خود می‌افزود. بنابراین خداوند حضرت موسی را به صحبت نرم و آرام و همراه با محبت توصیه می‌کند. به اعتقاد روان‌شناسان، هرگاه یک موضوع نگرشی همراه با یک محرک عاطفی مثبت یا منفی همراه شود حس عاطفی مثبت یا منفی به نگرش تعمیم داده می‌شود (بارون و بایرن، ۱۹۹۷). نمونه‌ای از این تأثیر ناخودآگاه تجربه احساس خوشایند بر نگرش افراد، در ابراز محبت به وقوع می‌پیوندد. نرم‌خویی پیامبر (آل عمران: ۱۵۹)،

نگرش‌های مخالف با عقاید باطنی و برحق خود را خلاف عزت نفس می‌دانند. به عبارتی هم‌نوایی با باطل را نوعی ذلت می‌شمارند که کرامت انسانی را خدشه‌دار می‌کند؛ بنابراین ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} در سیره خود با تقویت عزت نفس و تکریم انسان‌ها، آنها را در مقابل هم‌نوایی و پذیرش عقایدی برخلاف عقاید باطنی خود مصون می‌کردند.

۳-۱-۵. بعد رفتاری

شهادت بخشیدن به افراد و تحریک حس شجاعت باعث می‌شود فرد خطرات احتمالی ناهم‌نوایی نامطلوب با گروه را بپذیرد و به سکوت خود در قبال نظرات نادرست گروه پایان دهد. شهادت دادن ایجاد تمایل و جسارت در افراد است تا بر عقاید به حق خود پابرجا بمانند، و به منظور کسب منافع ناچیز مادی، از مواضع به حق خود کوتاه نیایند. امیرالمؤمنین علی^{علیه‌السلام} در خطبه اول نهج البلاغه در بیان ویژگی‌های پیامبران می‌فرماید: «کمی نفرت و زیادی دشمنان و تکذیب‌کنندگان، آنها را از انجام وظایف باز نمی‌داشت.» در این سخنان ناهم‌نوایی با گروه باطل از ویژگی بزرگ‌مردان تاریخ ذکر شده است. در روایتی دیگر از پیامبر خدا^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} این گونه می‌خوانیم که «محبوب‌ترین جهاد نزد خداوند عزوجل، سخن حقی است که به پیشوای ستمگر گفته شود» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۵۱). درواقع، گفتن سخن حق در برابر کانون قدرت و خشونت نوعی جهاد به‌شمار می‌آید. این بیانات اوج ناهم‌سویی با باطل را ترسیم می‌کند و با بیان ارزش آن، شجاعت و شهادت این رفتار را به جامعه تزریق می‌کند.

امیرالمؤمنین علی^{علیه‌السلام} زمانی که یک جمع نخبگانی برای نصب جانشین خلیفه دوم تشکیل شده بود و شرط خلافت و جانشینی را پایبندی به سنت شیخین اعلام کردند با شجاعت و صلابت تمام با نظر این گروه به اصطلاح نخبگانی مخالفت کردند، بر عقیده خود مقتدرانه پافشاری کردند و تنها عمل به کتاب و سنت نبی را پذیرفتند (ابن‌حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۲، ح ۵۵۷؛ ابن‌قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۵؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۲). ناهم‌نوایی با این گروه، منجر به عدم نصب ظاهری حضرت امیر به مقام ولایت و خلافت شد. این سیره به عنوان نمونه شهادت‌ورزی در ناهم‌نوایی با افکار نادرست گروه قابل‌ملاحظه است.

اندیشمندان نظریه یادگیری اجتماعی، مهم‌ترین نوع یادگیری انسان را می‌توان یادگیری مشاهده‌ای دانست (سیف، ۱۳۷۰، ص ۲۱۲). یادگیری مشاهده‌ای، در حقیقت همان روش الگویی است. تلاش ائمه^{علیهم‌السلام} در تغییر نگرش افراد در بعد رفتاری را می‌توان در سه شیوه الگودهی، الگوپردازی و الگودایی بیان کرد.

الف. الگودهی

منظور از الگودهی ارائه الگوهای مثبت و واقعی است که در خارج تحقق یافته و قابل مشاهده است. گاهی الگودهی با معرفی کردن افراد دیگر به عنوان انجام می‌شود (ممتحنه: ۶ و ۴) و گاهی خود فرد رفتار و صفات مطلوب را به صورت عملی به دیگران نشان می‌دهد. امام صادق^{علیه‌السلام} در همین مورد می‌فرماید به غیر کلام‌تان دیگران را دعوت کنید (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۸۳، ح ۱۴). رفتار ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} الگوی عملی تعاملات اجتماعی صحیح در جامعه اسلامی محسوب می‌شود. ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} خود یک الگوی عینی و عملی در ثبات و استواری قدم بودند و با وجود فشارها و تهدیدات فراوان جانی، مالی و روانی هرگز از عمل به اعتقاد راستین خود دست برنداشتند و هیچ‌یک از تمایلات مادی و معنوی برای ایشان مانع عمل به حقیقت نبود. ثبات قدم امیرالمؤمنین علی^{علیه‌السلام} در پایبندی به سیره پیامبر و پشت پا زدن به پذیرش بالاترین منصب رسمی جامعه، نقطه اوج ناهم‌نوایی با افکار انحرافی جامعه است (ابن‌حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۲، ح ۵۵۷؛ ابن‌قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۵؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۲). دیگر ائمه^{علیهم‌السلام}، از جمله امام حسین^{علیه‌السلام} نیز نمونه‌های برجسته استقامت در برابر نگرش نادرست فراگیر در سطح جامعه به حساب می‌آیند. روش الگودهی در شکل‌دهی به نگرش افراد بسیار تأثیرگذار است. امام علی^{علیه‌السلام} به استفاده از این روش برای اصلاح نگرش تأکید دارند: «ادب کردن دیگران باید به کردار باشد، نه به گفتار» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۴۸۰).

ب. الگوپردازی

در شیوه الگوپردازی، با بیان و توصیف ویژگی‌های الگوی مطلوب، به ایجاد نگرش مثبت از الگوی مورد نظر در اذهان پرداخته می‌شود. بیان ویژگی‌های «مؤمنون»، «متقون»، «مهمتدون»، «اولو الالباب»، «مفلحون»، «عباد الرحمن» و... نمونه‌هایی از الگوپردازی در قرآن کریم

در بعد رفتاری تغییر نگرش با روش الگویی اتفاق می‌افتد. از منظر

۵-۲. موقعیت‌سنجی و حل موانع

همان‌گونه که گفته شد در نوع دوم هم‌نوایی که هم‌نوایی هنجاری نامیده می‌شود افراد در شناخت واقعیت ناتوان نیستند و حقیقت امور را درک می‌کنند، ولی به دلایل متفاوت حقیقت را مخفی یا انکار می‌کنند. در این‌گونه موارد افزایش شناخت در افراد لازم نیست. باید عوامل بروز این تمایلات را شناسایی کرد و درصدد اصلاح برآمد. بروز این تمایلات ممکن است به دلایل گوناگونی از جمله نیازهای مادی مانند فقر و کمبود اقتصادی و احساس ناامنی و یا دیگر فشارهای اجتماعی رخ دهد. بنابراین رفع نیازها روش مهمی برای جلوگیری از هم‌نوایی نامطلوب است. ائمه علیهم‌السلام با تشخیص این موارد و به عبارتی موقعیت‌سنجی به پاسخ‌گویی متناسب با نیازها می‌پرداختند و درصدد رفع موانع هم‌نوایی مطلوب در جامعه بودند.

در بعضی مواقع نیازهای مادی و فقر باعث می‌شود افراد جرئت لازم برای ناهم‌نوایی با نگرش‌های نامطلوب را نداشته باشند. ائمه علیهم‌السلام با اعطای حقوق مالی و دستگیری از افراد سعی در رفع نیازهای آنها دارند. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهِ وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ...» (توبه: ۶۰). «مؤلفه قلوبهم» یعنی کسانی که انگیزه معنوی نیرومندی برای همراهی با دین‌داران را ندارند و با تشویق مالی می‌توان تألیف قلوب، و جلب محبت نمود.

توصیه به دیدوبازدید (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۴۰)، کمک به یکدیگر در شرایط دشوار (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۵۹، ۱۵۷، ۱۵۴)، عیادت از بیماران (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۴۱)، تسلیت دادن به داغ‌دیدگان (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۳۶)، ناظر به رفع نیازهای افراد است که می‌تواند بر نگرش‌های آنها تأثیر گذارد.

نمونه‌ای دیگر از موقعیت‌سنجی و توجه به علل نگرش و رفتار و حل موانع را می‌توان در رفتار امام حسن مجتبی علیه‌السلام مشاهده کرد. مردی از اهل شام می‌گوید، در مدینه مردی زیبا و خوش‌لباس دیدم از آن مرد خوشم آمد. وقتی فهمیدم ایشان امام حسن علیه‌السلام هستند به او و پدرش دشنام دادم. هنگامی که سخن من تمام شد آن حضرت به من گفت: فکر کنم تو در این شهر غریب هستی و شاید اشتباه کرده‌ای، اگر درصدد جلب رضایت ما هستی از تو راضی هستیم و اگر چیزی از ما بخواهی به تو می‌دهیم و اگر راهنمایی و ارشاد بخواهی ارشادت می‌کنیم و اگر برای برداشتن بارت از ما کمک بخواهی بارت را برمی‌داریم، اگر گرسنه‌ای سیرت کنیم، اگر برهنه‌ای پوشانیمت و اگر نیازمندی بی‌نیازت گردانیم، اگر آواره‌ای در پناه

می‌باشد. قرآن کریم در الگوپردازی از افرادی که با پیامبر هم‌نوا شدند با توصیف ویژگی‌های آنها به رستگاران، به ایجاد نگرش مثبت از این افراد در مردم می‌پردازد. خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف: ۱۵۷)؛ آنان که از فرستاده خدا پیامبر امی پیروی می‌کنند... کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاری‌اش کرده و از نوری که با او نازل شده پیروی کردند، آنان رستگاران‌اند.

ج. الگودایی

در روش الگودایی ویژگی‌های الگوها و شخصیت‌های منفی را بیان می‌کنند تا نگرش منفی در افراد، نسبت به آن الگو ایجاد شود. امام علی علیه‌السلام شناخت هدایت را در گرو شناخت ضلالت و گمراهی می‌داند و می‌فرماید رستگاری را نخواهید شناخت، مگر آنکه واگذارنده آن را بشناسید و هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود، مگر اینکه پیمان‌شکنان آن را بشناسید... (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۳۶۷، ح ۳۴). آیات و روایات فراوانی با بیان ویژگی‌های افراد منافق، کذاب، ظالم و... به صورت غیرمستقیم نگرشی منفی از این الگوها در افراد ایجاد می‌کنند. توصیف عواقب و پیامدهای سوء برخی رفتارها نیز در راستای تغییر نگرش در افراد صورت می‌گیرد (برای نمونه، ر.ک. بقره: ۲۵ و ۸۲؛ رعد: ۲۹؛ انعام: ۴۵؛ انفال: ۲۵؛ سبا: ۱۹ و ۴۲).

امام صادق علیه‌السلام با بهره‌گیری از کلام پیامبر می‌فرماید: «با بدعت‌گذاران رفاقت نکنید و با آنها هم‌نشین نشوید که نزد مردم مانند یکی از آنها خواهید بود! رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: انسان پیرو دین‌دوست و رفیقش است» (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۶۴۲ ح ۱۰). به بیان دیگر، پیامد هم‌نشینی با گروه‌هایی که از نظر فکری منحرف هستند را انحراف افراد بیان می‌کنند. حضرت علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «هم‌نشینی با خوبان، بدان را به خوبان ملحق می‌کند؛ و هم‌نشینی نیکان با بدان، نیکان را به بدان ملحق می‌سازد... کسی که وضع او برای شما مبهم است و از دین او آگاه نیستید، به دوستان و هم‌نشینانش نگاه کنید، اگر با دوستان خدا هم‌نشین است او را از مؤمنان بدانید؛ و اگر با دشمنان حق است، او را از بدان بدانید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۱۹۷). این روایات به صراحت تأثیر گروه در افراد را بیان کرده، با برشمردن آثار و پیامدها، نگرش افراد را نسبت به این واقعیت اجتماعی تغییر می‌دهند.

و تحت تأثیر آن قرار گیرد. هم‌نوایی افراد با عقاید به‌حق گروه‌ها مطلوب اجتماعی است، ولی هم‌نوایی افراد با عقاید نادرست و ضد ارزش، از معضلات اجتماعی است. ائمه (ع) به‌عنوان مصلحان اجتماعی و با علم به این پدیده روان‌شناختی - اجتماعی، شیوه‌های راهگشایی در مواجهه با این کنش اجتماعی دارند. این شیوه‌ها را می‌توان در دو دسته تغییر نگرش و موقعیت‌سنجی و رفع موانع دسته‌بندی کرد. همچنین تا آنجا که به تغییر نگرش مربوط می‌شود، ائمه (ع) در بعد شناختی با روش تفکر و استدلال و مطالعه احوال گذشتگان درصدد تقویت قوه تشخیص در راستای تغییر نگرش بودند. در بعد عاطفی با روش‌های ابراز محبت، تکریم و احترام و شهامت دادن به تغییر نگرش اهتمام داشتند. در بعد رفتاری نیز با سه روش الگودهی، الگوپردازی و الگوزدایی به تغییر نگرش در مردم مبادرت می‌ورزیدند. در روش موقعیت‌سنجی نیز زمینه‌های محیطی، مشکلات اقتصادی و یا ناامنی که باعث شکل‌گیری هم‌نوایی نامطلوب در افراد می‌شود را شناسایی کرده و به رفع موانع پرداخته‌اند.

خویش‌گیریم، و اگر خواسته‌ای داری انجامش دهیم و اگر مرکب و بارونه‌ای را به خانه ما انتقال دهی و تا وقتی که قصد رفتن داری مهمان ما باشی برای ما آسان‌تر و محبوب‌تر است. این برخورد آنچنان زلزله در وجود این شخص به وجود آورد که با چشمان گریان گفت: «گواهی می‌دهم که به‌راستی تویی خلیفه خدا بر روی زمین و خدا دانای‌تر است که رسالت خود را در چه جایی قرار دهد و تو و پدرت، مبعوض‌ترین خلق خدا نزد من بودید و اکنون تو محبوب‌ترین خلق خدا پیش من هستید» درنهایت آن مرد از دوستان آن خاندان شد (شوشتری، ۱۳۲۶، ج ۱۱، ص ۱۱۷-۱۱۹؛ این شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۹).

موقعیت‌های اجتماعی دیگری که باعث می‌شود افراد برخلاف عقاید خود با دیگران هم‌نوایی کنند، نبود امنیت و وجود خطرات جانی، مالی و آبرویی است که افراد را تهدید می‌کند. این موقعیت در زمان زندگی ائمه (ع) زیاد به وجود می‌آمد. ائمه (ع) با در نظر گرفتن قدرت نظامی و اجتماعی شیعیان به دو شیوه از وقوع هم‌نوایی باطل ممانعت می‌کردند. در موقعیتی که تشیع قدرت نظامی یا اجتماعی برتری نداشت و خطرات جانی و مالی جدی بود، تقیه را تجویز می‌کردند و افراد با تقیه و ابراز هم‌نوایی ظاهری با جامعه و پابندی مخفیانه قلبی به عقاید برحق خود از خطرات مصون می‌ماندند. این شیوه در طول تاریخ، موقعیت‌های زیادی را نصیب تشیع کرد. برای نمونه، افراد بسیاری با ارشاد و توصیه ائمه (ع) در دستگاه قدرتمند و تأثیرگذار خلفا نفوذ می‌کردند و با ابراز هم‌نوایی ظاهری و تقیه، در پیشبرد اهداف نظام حق تلاش می‌کردند. برای نمونه به نفوذ افرادی در دستگاه خلافت عباسی در زمان امام موسی کاظم (ع) می‌توان اشاره کرد که به‌ظاهر با سران قدرت هم‌نوایی می‌کردند، ولی درواقع بر نگرش خود پابرجا بودند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۷۴-۲۷۵)، ولی در زمانی که تشیع از قدرت اجتماعی برخوردار بودند و خطر جدی آنها را تهدید نمی‌کرد، دیگر نیازی به تقیه احساس نمی‌شد؛ با شجاعت از عقاید خود دفاع می‌کردند و به تبلیغ و گسترش آشکار مبانی و اصول فکری خود می‌پرداختند. یکی از دوران‌های اوج قدرت تشیع در زمان امام صادق و امام باقر (ع) بود که نشر و تبلیغ عقاید به‌راحتی صورت می‌گرفت.

نتیجه‌گیری

هم‌نوایی افراد با گروه‌ها از واقعیات حاکم بر تعاملات اجتماعی است. هم‌نوایی، یعنی فرد آگاهانه یا ناآگاهانه، اعتقادات گروه و جمع را بپذیرد

منابع

- متقی هندی، حسام‌الدین (۱۴۰۹ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. تحقیق جمعی از محققان. ج دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۱ق). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. تحقیق و تعلیقه سعید محمد اللحام. بیروت: دار الفکر.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۷۴). *الجمال*. تحقیق سیدعلی میرشریفی. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *الارشاد*. قم: کنگره شیخ مفید.
- میرعرب، فرج‌الله و کریمی، محمدکاظم (۱۳۹۴). درآمدی بر هم‌نوایی اجتماعی از منظر قرآن کریم. *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۸، ۷۱-۹۱.
- میرعرب، فرج‌الله (۱۳۹۹). تأثیر روابط خویشاوندی در هم‌نوایی اجتماعی محبت‌بنیان از منظر قرآن. *اسلام و علوم اجتماعی*، ۳، ۵۷-۷۷.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی‌تا). *تاریخ یعقوبی*. بیروت: دار صادر.
- Ajzen, I. c. Timco & j.b. white (1982). self-monitoring and the attitude-behavior relation. *Journal of personality and Social Sychology*, 52, 426-435.
- Alkcock, J.E. & others (2000). *A Textbook of social psychology*. Pearson Canada.
- Baron, R. A. & D. Byrne (1997). *Social Psychology*. 8th ed, Allyn and Bacon.
- Hovland, C. L. & others (1940). Minor Studies in Aggression: VI. Correlation of lynchings with Economic Indices. *Journal of Psychology*, 9, 301-310.
- Petty, R. E., Haugtvedt, C. P., & Smith, S. M (1995). Elaboration as a determinant of attitude strength. In R. E. Petty & J. A. Krosnick (eds.), *Attitude strength: Antecedents and consequences*, Lawrence Erlbaum Associates.
- Sears, David and others (1985). *Social Psychology*. Prentice-Hall.
- Vargos, P. T, (2004). The Relationship between Implicit Attitudes and Behavior: Some Lessons from the past and Directions for the future. *Contemporary Perspectives on Psychology of Attitudes*. London: Psychology Press, Taylor & Francis.

قرآن کریم

- نهج البلاغه (۱۳۹۵). تصحیح صبحی صالح. قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
- آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲). *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آلپورت، گوردن و جونز ادواردی (۱۳۷۱). *روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تا کنون*. ترجمه محمدتقی منشی طوسی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۴۱۲ق). *مناقب آل ابی طالب*. قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
- ابن خنبل، احمد بن (بی‌تا). *مسند احمد*. قاهره: مؤسسه قرطبه.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰ق). *الامامة و السياسة*. تحقیق علی شیری. بیروت: دار الاضواء.
- اسالیوان، تام و دیگران (۱۳۸۵). *مفاهیم کلیدی ارتباطات*. ترجمه میرحسین رئیس‌زاده. تهران: فصل نو.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷). *لغت‌نامه دهخدا*. زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.
- راسخ، کرامت‌الله (۱۳۹۱). *فرهنگ جامع جامعه‌شناسی و علوم انسانی*. جهرم: دانشگاه آزاد اسلامی.
- روشه، گی (۱۳۸۸). *کنش اجتماعی*. ترجمه هما زنجانی‌زاده. تهران: سمت.
- سالاری، فر، محمدرضا و دیگران (۱۴۰۱). *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجروی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۰). *روان‌شناسی پرورشی*. تهران: آگاه.
- شوشتری، نورالله (۱۳۲۶). *ملحقات احقاق الحق*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: اسماعیلیان.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۷۰م). *تاریخ الامم و الملوک*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دار المعارف.
- فرانزوی، استفن ال (۱۳۸۱). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه مهرداد فیروزبخت و منصور قنادان. تهران: رسا.
- فرگاس، جوزف پی (۱۳۷۳). *روان‌شناسی تعامل اجتماعی*. ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت. تهران: ابجد.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۷ق). *المحجة البيضاء*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۱). *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: ارسباران.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۰). *اصول کافی*. تهران: فرهنگ اهل بیت.